

مسابقه تسلیحاتی در خاورمیانه

منبع: المستقبل العربي

ابراهیم اسماعیل کافیا

سرهنگ بازنشسته ارتش سوریه

ترجمه: رحمان میاح

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه

امام صادق (ع)

مقاله با این فرض آغاز می شود که

«نیمی از بودجه سالیانه دفاعی در هریک از

کشورهای منطقه به خرید تسلیحات و

تجهیزات نظامی مدرن اختصاص می یابد.»

نویسنده این تصور را که کشورهای منطقه در

خصوص دستیابی به جدیدترین فناوری

پیشرفته گروه واحدی را تشکیل می دهند،

مردود می داند؛ چرا که برخی کشورها در

زمینه تسلیحات از خود ابتکار نشان داده اند.

وی معتقد است منطقه در زمینه واردات

تسلیحات و هزینه های بالای نظامی

رکوردهای جهانی را شکسته است. دلیل آن

نیز مناقشه اعراب و اسرائیل، جنگ ایران و

عراق و جنگ دوم خلیج فارس است.

نویسنده با توجه به مشکلات اقتصادی ناشی

از هزینه های بالای نظامی و واردات

تسلیحات در خصوص میزان تسلیحات رژیم

صهیونیستی معتقد است که اسرائیل از حیث

هزینه های دفاعی در صدر کشورهای جهان

قرار دارد؛ بودجه نظامی آن حدود ۱٫۳ تولید

ناخالص ملی است. بودجه نظامی اسرائیل از

کمک سالانه آمریکا تأمین می شود، بنابراین

اسرائیل بزرگ ترین وارد کننده تجهیزات

نظامی است. به زعم نویسنده، اسرائیل

اسلحه نیز صادر می کند و بخش اعظم

هزینه های ساخت تجهیزات نظامی را از

ایالات متحده دریافت می کند. وی در

بخشهای پایانی مقاله روند روبه رشد خرید

اسلحه و تجهیزات نظامی اعم از تولید داخل

و یا نوع وارداتی ردیف اصلی بودجه دفاعی

کشورهای منطقه خاورمیانه را بررسی

می کند. میانگین اعتبارات مالی این ردیف

حدود ۵۰ درصد مجموع بودجه دفاعی

کشورهای مزبور است و این میزان در شرایط

بحرانی و احتمالی بروز جنگ افزایش

می یابد. واردات ادوات نظامی نسبت بالایی

از نیازهای کشورهایی را به خود اختصاص

می دهد که برخی ادوات نظامی خود را

داخل می سازند.

این تصور که کشورهای منطقه

در زمینه توانایی دستیابی همه جانبه به جدیدترین نوع فناوری پیشرفته جبهه واحدی را تشکیل می دهند، به هیچ وجه منطقی نیست؛ زیرا آن کشورها از این نظر باهم تفاوت جدی دارند. در کنار کشورهایی که دسترسی همه جانبه به فناوری نظامی دارند یا کشورهایی که در این مورد نوآوری از خود نشان داده اند، کشورهای دیگری نیز هستند که فاقد ابتکار بوده اند. البته این مسئله به معنای نفی احتمال و یا محال بودن و دستیابی آن کشورها به سیستمهای تسلیحاتی پیشرفته نیست بلکه در صورت تأمین مالی، سازماندهی و کمک از تجارب خارجی به این مهم دست خواهند یافت. اشاره به این نکته ضروری است که ورود فناوری نظامی مدرن به منطقه خاورمیانه نشان دهنده تغییر در نمونه های قدیم اسلحه و جایگزینی آن با انواع جدید است، اما همچنان که در سطور آتی خواهیم دید، به معنای ایجاد تغییرات متوازن نیست. از سویی کشورهای خریدار آن فناوریها با کشورهای مبتکر و تولید کننده اختلافهایی دارند و برخی قوانین خرید و فروش فناوری نظامی را نقض کرده اند.

به هر حال، حتی اگر ارتشهای کشورهای منطقه خاورمیانه قادر باشند برخی سیستمهای تسلیحاتی پیشرفته را تولید کنند، به واردات فناوری نظامی آمریکا، اروپای غربی و روسیه وابسته خواهند بود. البته میزان این وابستگی و اتکاء از یک کشور به کشور دیگر تفاوت دارد. به عبارتی، هر نوع درگیریهای احتمالی در منطقه خاورمیانه با تجارت جهانی اسلحه و تجهیزات نظامی رابطه خواهد داشت.

بنابراین، چنانچه دستیابی به صلح از طریق خرید جنگ افزارهای خارجی یا تولیدات داخلی منوط به مقدار اعتبارات مالی هر یک از کشورها و بودجه دفاعی آنان باشد، بررسی واقع بینانه هزینه های دفاعی کشورهای منطقه ضروری به نظر می رسد. بررسی حاضر با این فرض صورت می گیرد که نیمی از بودجه سالیانه دفاعی هر یک از کشورهای مزبور به خرید تسلیحات و تجهیزات نظامی مدرن اختصاص می یابد.

اول. هزینه های دفاعی و مخارج تسلیحاتی

پیش از شروع انتفاضه اقصی تصور

می‌شد در خاورمیانه صلح و آرامش برقرار شود، اما به رغم آن انتظاراتها شکستن رکوردهای جهانی در زمینه واردات تسلیحات و هزینه‌های بالای دفاعی در منطقه خاورمیانه ادامه یافت و کشورهای عربی از این حیث بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات در جهان به شمار می‌روند. زکریا حسن در کتاب عرب‌ها به کج‌بار می‌برند؟ در این زمینه می‌نویسد: در دوره ۱۹۹۴ - ۱۹۸۴ شاهد دست‌اندازی به سپرده‌های بانکی عرب‌ها به دلیل دامن‌زدن به جنگ در منطقه خلیج فارس بودیم که این قضیه به دنبال شعله‌ور شدن آتش جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران صورت گرفت. سپس جنگ دوم خلیج فارس رخ داد که به شکست عراق انجامید. بعد از آن، مسابقه تسلیحاتی دامنه‌دار و گسترده‌ای شکل گرفت، بنابراین بودجه تسلیحاتی در سالهای ۱۹۹۰ - ۱۹۷۰ به یک هزار میلیارد دلار و هزینه جنگ عراق و ایران به ۳۰۰ میلیارد دلار رسید. کشورهای عربی طی تجاوز عراق به کویت، ۱۳۷۱ میلیارد دلار زیان دیدند. بعد از وقوع جنگ دوم خلیج فارس ارزش قراردادهای (تسلیحاتی) کشورهای حوزه

خلیج فارس به ۲۳/۲۹۶ میلیارد دلار رسید. در سالهای ۱۹۹۲ - ۱۹۹۰ بدهی کشورهای منطقه خاورمیانه از این طریق مبلغی بین ۳۵ و ۴۵ میلیارد دلار بوده و ۵۰ درصد این مبلغ را آمریکا دریافت کرده است. شایان ذکر است، برخی کشورهای حوزه خلیج فارس در مدت ۴ ماه از آگوست سال ۱۹۹۰ تا پایان همان سال - مبلغی به ارزش ۱۷/۷۹ میلیارد دلار برای خرید تجهیزات نظامی هزینه کردند، اما پس از برگزاری کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ و امضای موافقت‌نامه صلح با رژیم صهیونیستی توسط برخی کشورهای عربی چه اتفاقی افتاد؟ آن زمان انتظار می‌رفت مخارج نظامی کاهش یابد و مسابقه تسلیحاتی کند شود، اما آنچه که رخ داد درست برعکس بود، به گونه‌ای که منطقه خاورمیانه شکستن رکوردهای جهانی در زمینه تولید و ادوات اسلحه را دنبال کرد. آخرین اطلاعات آماری نشان می‌دهد که میانگین هزینه نظامی کشورهای منطقه با درآمد ملی آنان متناسب نیست، همچنان که شاخصهای بودجه کشورها در دوره‌های مختلف یکسان نیست. در یک کشور نیز شاخصهای هزینه‌های نظامی در شرایط

بحرانی و آشفته با شاخصهای دوره‌هایی که آرامش در آن حکم فرما بوده، تفاوت دارد. البته، شاخصهای ایده‌آلی در زمینه مخارج نظامی وجود ندارد؛ چه هر کشوری در هر یک از بندهای بودجه‌ای خود، شرایط خاص خود را از لحاظ درآمدها و توان هزینه کردن دارد. از سوی دیگر، نمی‌توان کشوری را که هزینه تسلیحاتی زیادی دارد برتر از کشوری که خرید تسلیحاتی کمتری دارد، قلمداد کرد. همچنین تفاوت سیستمهای تسلیحاتی کشورهایی که تولید کننده سلاح نیستند، اجازه می‌دهد دلالتها یا واسطه‌هایی در این میان قد علم کنند. ممکن است شاخصهای هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه خاورمیانه از عوامل مختلفی تأثیر بپذیرد؛ از جمله، کاهش قیمت نفت و در نتیجه خودداری بسیاری از کشورهای خریدار اسلحه در جهان از اجرای تعهدات خود. این امر به کاهش قیمت اسلحه منتهی می‌شد و در عین حال خریدارها را به دلیل کاهش قیمت نفت که منبع اصلی درآمد آنهاست، با محدودیت روبه‌رو می‌ساخت. در این خصوص می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. مضاعف شدن هزینه‌های دفاعی

در منطقه؛ برای مثال، این هزینه‌ها در سال ۱۹۹۶ به ۵۴ میلیارد دلار و در سال ۱۹۹۷ به ۵۶ میلیارد دلار رسید که رشدی معادل ۵ درصد داشت و در سال ۱۹۹۸، به ۶۵/۳۶ میلیارد دلار افزایش یافت که نسبت رشد آن ۵ درصد بود. در تداوم این افزایش در سال ۱۹۹۹ این مبلغ به ۷۱/۵ میلیارد دلار رسید؛ یعنی در مقایسه با سال ۱۹۹۸ میزان رشد ۹/۳۹ درصد بوده است؛ این مقدار مخارج برابر است با ۸-۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه خاورمیانه. هزینه نظامی در دهه ۹۰، چه در سطح جهان یا در سطح خاورمیانه، نسبت به دهه ۸۰ کاهش داشته است، به گونه‌ای که پایان جنگ سرد بر دنیا تأثیر مثبتی گذاشت. همچنان که اقدامهای خطرناک مربوط به تسلیحات و کاهش شاخصهای اقتصادی روسیه و پایین آمدن قیمتهای نفت، بر کاهش هزینه‌های نظامی اثر گذار بود.

۲. به رغم وجود قراین و شواهد کاهش درآمد نفت در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در سال ۹۸، بودجه‌های نظامی آنها افزایش نشان می‌دهد. مهم‌ترین کشورهایی که شاخص

هزینه های نظامی شان نشان دهنده افزایش است عبارتند از: ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان سعودی، که در ایران این امر به دنبال انجام برنامه های نظامی از جمله برنامه های موشکی و تحول در ساخت نیروگاهها و برنامه های اتمی صورت گرفته است. بنابراین، منطقه خلیج فارس از جمله بزرگ ترین بازارهای فروش تجهیزات نظامی در جهان باقی خواهد ماند. بررسی خریدهای تسلیحاتی و برخی اقلام خریداری شده که قرار است در سالهای ۲۰۰۳-۲۰۰۴ تحویل گرفته شوند، نشان می دهد خریدهای دیگری نیز وجود دارد که قرار است در سال ۲۰۰۵ یا ۲۰۱۰ تحویل داده شوند. آنچه واضح است اینکه، بخش بزرگ خریدها از ایالات متحده و نسبت کمتری از آن از انگلیس، روسیه و چین انجام شده است. البته، بعضی دیگر از کشورهای اروپایی نقش کمتری در این زمینه داشته اند. غالب تجهیزات نظامی ایران، به جز مقدار کمی خرید از چین، روسیه و فرانسه، ساخت داخل است.

۳. نظر به اینکه واردات ۵۰ درصد هزینه تسلیحاتی براساس تجربه آمریکایی صورت گرفته، مخارج نظامی (دفاعی) بنابر برآوردهای سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ به ترتیب زیر است:

- کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، ۱۵/۴۰۱ میلیارد دلار؛

- کشورهای عربی شمال آفریقا، ۲/۹۹۰ میلیارد دلار؛

- کشورهای خط مقدم، ۳/۵۶۲ میلیارد دلار؛

- دیگر کشورهای عربی، ۱/۱۳۳ میلیارد دلار.

به عبارتی، هزینه تسلیحاتی کشورهای فوق در مجموع ۲۳/۰۸۶ میلیارد دلار بوده است، اما هزینه های تسلیحاتی در کشورهای هم جوار به قرار زیر است:

- ترکیه ۴/۲۰۰ میلیارد دلار؛

- ایران ۲/۹۰۰ میلیارد دلار؛

- اتیوپی ۳۵ میلیارد دلار.

۴. از ارقام و اعداد فوق نتیجه می گیریم که مخارج تسلیحاتی در کشورهای عربی براساس موقعیت جغرافیایی (اقلیمی و سرزمینی) و به ترتیب زیر تقسیم شده:

الف. ۶۶/۷۱ درصد در کشورهای حوزه خلیج فارس؛

تشکیل می دهد. همچنین، مجموع هزینه های کشورهای غیر عربی به مقدار ۲۲/۸ میلیارد دلار و به نسبت ۲/۸ درصد مجموع هزینه های نظامی منطقه در سال ۱۹۹۹ است. این امر بدین معناست که مخارج سه کشور غیر عربی در منطقه برابر است با ۵۳/۳ درصد مجموع مخارج تسلیحاتی ۱۹ کشور عمده در منطقه خاورمیانه (به استثنای سومالی، جیبوتی و جزایر ملوک).

۷. بسیاری از شواهد و قراین نشان می دهد که کشورهای غیر عربی به منظور به ثمر رساندن اهداف مقطعی و آینده نگر خود که از دیدگاه برنامه راهبردی اعراب پنهان نمانده است، بر افزایش هزینه های نظامی تأکید می کنند. مهم ترین این اهداف، برتری، بازدارندگی و تأثیر گذاری است. این اهداف است که بحرانهایی در کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه، سوریه و عراق ایجاد کرد و جنگ اعراب و اسرائیل را به راه انداخت. مقایسه ها، بازتابهای هزینه های نظامی بر مناطق متشنج در خاورمیانه را نشان می دهد. بنابراین، در حجم هزینه ها و مخارج نظامی (دفاعی) که به نوبه خود آثار

ب. ۱۵/۴۲ درصد در کشورهای عربی خط مقدم که شامل سوریه، لبنان، اردن، تشکیلات خودگردان و مصر است؛ ج. ۱۲/۹۵ درصد در پنج کشور عربی شمال آفریقا؛ د. ۱۴/۹۰ درصد در دیگر کشورهای عربی همچون عراق، یمن، سودان و جیبوتی توزیع شده است.

۵. در خصوص مشکلات اقتصادی که یک فرد در کشورهای خط مقدم به دلیل هزینه های بالای نظامی متحمل می شود، باید گفت: این هزینه ها به ۸۱/۱۶۸ دلار می رسد، در حالی که این هزینه ها برای یک فرد در مصر به عنوان بزرگ ترین کشور عربی، فقط ۶۶/۸۸ دلار و در اسرائیل ۱۴/۸۹ دلار می باشد؛ یعنی، حدود ۸ برابر آنچه که یک فرد در کشورهای خط مقدم و ۲۲ برابر آنچه که یک فرد در کشور مصر متحمل می شود.

۶. به طور خلاصه می توان گفت که مجموع کل بودجه های نظامی کشورهای عربی، برای نمونه در سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۴۳/۲ میلیارد دلار بوده است که ۵/۱ درصد مجموع هزینه های جهانی در سال ۱۹۹۷ را

منازعات را بر ملتهای منطقه منعکس می‌کند، اختلاف شدیدی دیده می‌شود.

دوم. خریدهای تسلیحاتی در خاورمیانه

به دنبال افزایش هزینه‌های دفاعی در خاورمیانه، منطقه به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات باقی ماند. این مسئله از رازهایی بود که تمام کشورهای منطقه سعی در پنهان نگه داشتن آن داشتند. اما دلایلی -

یا بهتر بگوییم شواهد و قراینی - وجود دارد که می‌توان (با استناد به آن) بر حجم تسلیحات هریک از کشورها و مقایسه آن استدلال کرد. دلایل مهم، برای این امر، بررسی تناسب جنگ افزارهای اساسی با نیروهای انسانی (فعال و ذخیره) است؛ یعنی مجموع نیروهای مسلح در یک کشور، بررسی مذکور در جدول شماره یک آمده است.

قرینه دومی نیز وجود دارد که با آن بر حجم هزینه‌های نظامی از جمله مخارج تسلیحاتی تحت عنوان «هزینه‌های سالانه یک سرباز» استدلال می‌شود. چنانچه برای نمونه همان سال (۲۰۰۰-۱۹۹۹) را در نظر بگیریم، هزینه‌های سالانه یک سرباز به ترتیب زیر است:

۱. ترکیه ۸۲۵۹ دلار؛

۲. ایران ۱۰۶۱۳ دلار؛

۳. اسرائیل ۱۸۵۸۵ دلار؛

۴. مصر ۶۲۲۲ دلار؛

۵. سوریه ۸۵۴۴ دلار؛

۶. لبنان ۷۴۷۷ دلار؛

۷. اردن ۵۲۶۹ دلار.

۵۰ درصد هزینه‌های سالانه یک سرباز در اموری چون ماهیانه، امور معیشتی، مسکن، امور درمانی و رفاهی و فشنگ آموزشی توزیع و ۵۰ درصد دیگر برای خرید تجهیزات نظامی، اسلحه و فشنگهای جنگی هزینه می‌شود. بنابراین، می‌توان مقایسه‌ای - گرچه نظری - بین کشورهای مختلف برای دستیابی تقریبی به شناخت حجم هزینه‌های دفاعی و از جمله خرید اسلحه و جنگ افزارهای اساسی و فشنگ جنگی انجام داد. قرینه سومی نیز هست که به وسیله آن بر کیفیت مخارج و هزینه‌هایی در خرید اسلحه استدلال می‌شود. این قرینه همان تناسب نیروها و جنگ افزارهای عمده موجود (یک کشور) با حجم هزینه‌های دفاعی در بودجه نظامی همان کشور با دیگر کشورهاست (جدول شماره ۲).

سه قرینه فوق تا حدودی تقریبی و نظری باقی می ماند، اما به هر حال نشانه هایی عمومی دال بر جریانهای تسلیحاتی و مقدار هزینه های نظامی در هریک از کشورهای است که موضوع بحث ما بود. با وجود این، شواهد دیگری وجود دارد که بر معامله های بزرگی که برخی کشورهای منطقه همچون معامله امارات متحده عربی با ایالات متحده به منظور خرید ۸۰ فروند هواپیمای جنگی از نوع اف-۱۶ انجام داد، دلالت می کند که در چارچوب مجموعه معامله های تسلیحاتی دیگری است که به منظور خرید ۳۰ فروند هواپیمای جدید از نوع میراژ ۹/۲۰۰۰ صورت گرفته است.

معامله دیگر، نوسازی ۱۸ فروند هواپیما از مدل انگلیسی «هوک» با ارزش کلی ۱۱ میلیارد دلار و معامله ای که عربستان سعودی با ایالات متحده و فرانسه به منظور دستیابی به ۳۰۰ - ۲۵۰ توپ جنگی جدید برای نوسازی تسلیحات زرهی عربستان سعودی انجام داد، می باشد که ارزش آن روی هم رفته به ۳ میلیارد دلار آمریکایی می رسد، به علاوه معامله الجزایر با جمهوری بیلوروس به منظور دستیابی به ۳۶ فروند

هواپیمای جنگی از نوع میگ - ۲۹، معامله بحرین با ایالات متحده به منظور دستیابی به ۸ فروند جنگنده از نوع اف-۱۶ در سال ۲۰۰۱، و معامله کویت با آمریکا به منظور دستیابی به ۴۸ قطعه توپخانه از مدل ام - ۱۰۹ - آ که مناقشه ای در داخل کویت برانگیخت و به لغو معامله انجامید. بدین ترتیب، منطقه خاورمیانه در سال ۱۹۹۸ شاهد فعالیتهای گسترده ای در زمینه بستن قراردادهای عمده تسلیحاتی بود. حجم قرارداد معامله های فوق از سال ۱۹۹۷ بیشتر بود. در این سال خریدهای تسلیحاتی منطقه به ۱۷ میلیارد دلار رسید.

سوم. کیفیت تسلیحات کشورهای منطقه
در سطور قبل با حجم هزینه های دفاعی و خریدهای تسلیحاتی در برخی کشورهای منطقه، به ویژه در کشورهای (فعال) در عرصه نزاع اعراب و اسرائیل آشنا شدیم. اکنون اشاره به کیفیت تسلیحات در کشورهای منطقه و جهت گیریهای غالب آن خالی از لطف نیست. ابتدا از رژیم صهیونیستی که بر دشمنی با آن اتفاق نظر وجود دارد و امنیت صلح در منطقه را تهدید

می کند، آغاز می کنیم:

۱. تسلیحات اسرائیل

اسرائیل از حیث هزینه های امنیتی (دفاعی) در صدر کشورهای جهان قرار دارد. در اسرائیل میزان هزینه های امنیتی برای یک فرد در سال ۱۹۷۶، ۸۳۱ دلار بود که این میزان در سال ۱۹۹۲ برای یک فرد به ۲۰۶۰ دلار افزایش پیدا کرد. بودجه نظامی در اسرائیل حدود یک سوم تولید ناخالص داخلی آن (رژیم) است، اما بودجه نظامی در آمریکا از ۳/۵ درصد تولید ناخالص داخلی فراتر نمی رود. در انگلیس ۹/۴ درصد تولید ناخالص داخلی و در فرانسه ۸/۳ درصد آن است. مسیزان بودجه نظامی اسرائیل، اولویتهای فعالیتهای نظامی آن کشور، عملیات جنگی و میزان تسلیحات و تجهیزات نظامی آن را نشان می دهد. بودجه نظامی اسرائیل از کمک نظامی سالانه آمریکا تأمین می شود و میزان اعلام شده آن ۳ میلیارد دلار است، اما کمک واقعی بیشتر از مبلغ مذکور است. بنابراین، اسرائیل در طول ۲۳ سال (۱۹۶۷ تا ۱۹۹۰) به ۷۷ میلیارد دلار با عنوان کمک نظامی دست یافته است؛ به

عبارت دیگر، با میانگین سالیانه ۶ میلیارد دلار آمریکایی. منطقه خاورمیانه بیش از ۴۰ درصد مجموع صادرات اسلحه در جهان را وارد می کند و سالیانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در زمینه خرید تسلیحات هزینه می کند. اسرائیل هم واردکننده تجهیزات نظامی است، اما بیشتر اسلحه اش را از ایالات متحده و با قیمت تشویقی یا براساس قرارداد کمک تسلیحاتی خریداری می کند. البته اسرائیل خود نیز اسلحه صادر می کند. برای نمونه، در سال ۱۹۹۴ ارزش اسلحه صادراتی آن بیش از ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. بنابراین، در زمینه صادرات تسلیحات - بعد از ایالات متحده و کشورهای بلوک شرق - در رتبه چهارم قرار دارد و کره شمالی رتبه پنجم را به خود اختصاص داده است.

برخی از منابع براین باورند که اسرائیل ۱۰۰ تا ۲۰۰ بمب اتمی در اختیار دارد، در حالی که منابع دیگری تخمینهای متفاوتی زده اند و تعداد آن را بیش از ۲۰۰ عدد برآورد کرده اند که شامل کلاهکهای هسته ای، گلوله های توپخانه، مینهای زمینی و بمبهای هیدروژنی است. بهره گیری از این

کلاهکها با استفاده از موشکهای بالستیک از نوع «اریحا ۱ و ۲» امکان پذیر است. به رغم پیشرفتی که اسرائیل در زمینه نیروی هوایی، تسلیحات موشکی و فضا داشته است، نیروی زمینی نیروی اصلی ارتش اسرائیل باقی خواهد ماند. به ویژه بعد از فراهم آمدن قابلیت جنگیدن سربازان اسرائیلی و کیفیت پیشرفته تسلیحاتی که در جهش احتمالی جنگ افزارهای مدرن نقش دارند. غالب این جنگ افزارها همچون تانک «میرکافا» نوع یک تا چهار آن که اکنون در دست تحول است، در داخل ساخته شده اند. همچنین نفربر زرهی نوع «نجماشوٹ» و مدلهای مختلف توپخانه های صحرایی، توپخانه های متحرک، خودروهای مهندسان، سیستمهای

رهبری، کنترل و مدیریت جنگ، خودروهای زرهی شناسایی، موشکهای ضد تانک، موشکهای زمین به زمین و موشکهای ضد موشک، همه ساخت اسرائیل است. نیروهای دریایی اسرائیل دارای اسلحه های مدرنی چون زیردریاییهای ۲۰۹ که با موشکهای آمریکایی نوع «هاربون» مسلح شده اند، و نیز انواع مختلف قایقهای موشکی، قایقها و لنجهای حاوی مواد منفجره، مینهای

دریایی، نیروهای به کار گیرنده این جنگ افزارها و هواپیمایی دریایی که نیروهای دریایی اسرائیل را در عملیات نظامی حمایت می کند، هست. این نوع شامل جنگنده های بمب افکن و بالگردهای مجهز به موشکهای هوا به زمین است. اسرائیل تلاش کرد تا نیرو و پدافند هوایی خود را تحول بخشد و برای مدرن کردن آن براساس پنج عنصر متداخل و تاثیرگذار زیر برنامه ریزی کرد: ۱. شبکه شناسایی و هشدار؛ ۲. هواپیماهای جنگنده و موشکهای زمین به هوا و توپخانه ضد هواپیما؛ ۳. شبکه دفاع الکترونیکی؛ ۴. دستگاههای رهبری، کنترل، ارتباطات و اطلاعات؛ ۵. سیستم دفاعی ضد موشکهای بالستیک.

شبکه شناسایی و هشدار شامل بیش از ۵۰ ایستگاه رادار هشداردهنده، هواپیمای هشداردهنده پیش از موقع (سریع)، ایستگاه کنترل و رهبری و ماهواره های جاسوسی است. این شبکه عهده دار جنگنده هایی از نمونه های «اف-۱۵»، «اف-۱۶»، «اف-۴» و «کفیر» ساخت اسرائیل است که با موشکهای هوا به هوایی چون موشک «سایدویندر»، «اسبارو» و «شفریر» و موشکهای زمین به

هوایی چون «پاتریوت» و «هوک المحسن» مسلح شده اند. اسرائیل به ساخت هوایمای جاسوسی بدون خلبان شهرت دارد و در حال حاضر ۲۵۰ فروند از این نوع با اشکال مختلف را در اختیار دارد و طوری برنامه ریزی کرده است که این عدد به ۵۰۰ فروند افزایش یابد. اسرائیل توانسته است موشکهای بالیستیکی زمین به زمین زیر را تولید کند:

۱. اریحاً- ۱ با برد ۴۸۰-۲۰۰

کیلومتر، که حامل کلاهک هسته ای یا معمولی به وزن ۲۵۰ کیلوگرم است.

۲. اریحاً- ۲ با برد ۷۵۰-

۴۹۰ کیلومتر، که قادر به حمل کلاهک هسته ای به وزن ۶۸۰-۴۵۰ کیلوگرم است.

۳. اریحاً- ۳ با برد ۸۰۰-۴۸۰

کیلومتر، که قادر به حمل کلاهک هسته ای به وزن ۷۵۰ کیلوگرم و دو مرحله ای است.

احتمال دارد اسرائیل تغییراتی در موشک سه مرحله ای «شافیت ۲» وارد کند تا قادر به حمل کلاهک هسته ای یا معمول به وزن ۹۰۰ کیلوگرم و طول آن ۳۰۰۰ مایل دریایی باشد یا کلاهکی به وزن ۵۰۰

کیللوگرم حمل کند و طول آن ۴۷۰۰ مایل دریایی باشد. این تغییرات، موشک فوق را در ردیف موشکهای قاره پیما قرار می دهد. اسرائیل از موشکهای خانواده اریحاً حدود ۱۲۵ فروند را در اختیار دارد که با سیستم دیده بانی، کنترل و هدایت که متکی بر شبکه ماهواره ای آمریکا و اسرائیل است، تقویت می شود. موشک «حیتس-ارو» از موشکهای کوتاه برد به شمار می رود که تا فاصله ۹۰

کیلومتری پرتاب و اصولاً در دفاع از منطقه عملیاتی استفاده می شود. به کار انداختن این موشک در چارچوب سه موشک ضد هوایمما از نوع ضد موشک آمریکایی "باتریوت" برنامه ریزی شده است. سرعت موشک «حیتس-ارو» حدود ۹۰ ماخ است. برد عمودی آن ۳۰ کیلومتر و برد افقی آن

۷۰ کیلومتر است. هزینه موشک ۱/۶ میلیارد دلار برآورد شده است که ایالات متحده ۵۶۵ میلیون دلار از مبلغ فوق را پرداخت می نماید و بقیه از طریق کمک سالیانه آمریکا تأمین می شود. اسرائیل تا به حال ۳ ماهواره به نامهای «افق-۱، ۲ و ۳» را پرتاب کرده و آماده پرتاب «افق ۴» است. ماهواره های مذکور به توان بازدارندگی اسرائیل انرژی

تازه ای می بخشد.

صنعت نظامی غرب، به علاوه عوامل دیگر، عنصر غیر تشویق کننده جهت استمرار وابستگی به تسلیحات روسیه بود. گردش

۲. تسلیحات ترکیه

اسلحه در جهان یعنی انتقال آن از کشورهای تولیدکننده و صادرکننده به کشورهای واردکننده، تابع و مشمول نوعی نظارت و محدودیت است و این امر به اعمال فشار که به مرز محاصره می رسد نیز منتهی می شود. بنابراین، بر عراق نظارت می شود و مورد محاصره قرار می گیرد تا سلاحی وارد و تولید نکند. آمریکا نوعی از محاصره را بر لیبی، ایران و سودان تحمیل می کند و به اصرار از هم پیمانان خود می خواهد تا از دادن تسلیحات به آنان پرهیز کنند. سوریه نیز تحت فشار قرار گرفته است و با کشورهای که سوریه از آنان سلاح و تجهیزات نظامی پیشرفته خریداری می کند، به شدت برخورد شد. در این مورد ایالات متحده با دولت آفریقای جنوبی برخورد کرد. آمریکا در ژانویه ۱۹۹۷ به دولت آفریقای جنوبی نیز هشدار داد که در صورت معامله با سوریه کمکهایش قطع می شود.

تمام رویدادهای مربوط به این پدیده برضد طرحها و برنامه های تسلیحاتی

در تبیین آن می توان از جدول شماره ۳ کمک گرفت. قدرت نظامی ترکیه با مشخصه های گستردگی، تجهیز سنتی تکامل نیافته و برخورداری از سیستمهایی باتواناییهای کیفی در برخی قسمتها متمایز می شود. ترکیه طرح بلند مدتی به منظور نوسازی همه جانبه نیروهای خود دارد. قدرت نظامی ترکیه با مشخصه های گستردگی، تجهیز سنتی تکامل نیافته و برخورداری از سیستمهای باتواناییهای کیفی در برخی قسمتها متمایز می شود. ترکیه طرح بلند مدتی به منظور نوسازی همه جانبه نیروهای خود دارد.

۳. تسلیحات کشورهای عربی

پدیده ای وجود دارد که خاص قدرت تسلیحاتی برخی کشورهای عربی است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - که یکی از دو منبع اصلی صادرکننده سلاح به برخی کشورهای عربی است - روسیه جایگزین آن شد. صنعت نظامی روسیه در قیاس با

کشورهای عربی صورت می‌گیرد و به طور مشخص به نفع اسرائیل است. از این نظر که عناصر تفوق نظامی اسرائیل مضاعف می‌شود؛ برای نمونه در خصوص تامین اسرائیل، می‌توان به ارایه مدرن‌ترین تسلیحات و پیشرفته‌ترین فناوریهای نظامی از سوی آمریکا، و فراخوانی دانشمندان یهودی متخصص در فضا از اتحاد جماهیر شوروی و در ساخت سلاحهای پیشرفته اشاره کرد. این امر در عین حال به نفع یکی دیگر از کشورهای عضو پیمان ناتو، یعنی ترکیه است که با رژیم صهیونیستی در زمینه‌های مختلف شراکت و همکاری راهبردی نظامی برقرار کرده است. به علاوه این کشور با اسلحه کشورهای عضو ناتو و با فناوریهای پیشرفته نظامی آن تجهیز می‌شود.

کشورهای عربی در طی دو دهه ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم، بیش از ۶۶۷ میلیارد دلار در بخش تسلیحات و مؤسسه‌های نظامی هزینه کرده‌اند. توجه به این نکته ضروری است که برآوردهای مذکور، آمارهای رسمی دولتی را نشان می‌دهد و شامل ابعاد اعلام شده هزینه‌های نظامی نیست. بنابراین،

برآورد می‌شود که ارزش واقعی هزینه‌های نظامی در دو دهه مذکور بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار است. در سال ۱۹۹۰ هزینه‌های نظامی افزایش یافت، به نحوی که به استثنای کشورهای عربی و آفریقا این مخارج در دیگر کشورهای عربی از ۴۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۵۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۲ رسید. اما در سال ۱۹۹۵ هزینه‌های دفاعی در منطقه خاورمیانه از ۴۴ میلیارد دلار به ۴۲ میلیارد دلار کاهش یافت و فقط در سال ۱۹۹۶ اندکی بالا رفت. سرانه هزینه‌های نظامی در منطقه برای یک فرد بالاترین میزان موجود قلمداد می‌شود، عربستان سعودی حدود یک سوم هزینه‌های تسلیحاتی منطقه خاورمیانه را به خود اختصاص می‌دهد، در حالی که هزینه‌های تسلیحاتی شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس ۵۰ درصد هزینه‌های تسلیحاتی منطقه است.

ایران، مصر، سوریه و اسرائیل از کشورهایی به شمار می‌روند که در این زمینه سرمایه‌گذاری بزرگی کرده‌اند و بازار تسلیحات در منطقه، بزرگ‌ترین و فعال‌ترین بازارهای تسلیحات جهان است. در کنار

هزینه های خرید تسلیحات، هزینه خاص دیگری در زمینه تأسیسات و استحکامات مهندسی و نظامی صرف می شود. برای مثال، به دنبال وقوع جنگ دوم خلیج فارس، کویت در مرزهایش با عراق در عمق صحراها خطوط دفاعی ایجاد کرد و خطوط مذکور را با تجهیزات الکترونیکی دیده بانی، کنترل و تشخیص تجهیز نمود. تأسیسات و استحکامات نظامی پراکنده مزبور در کشورهای عربی و کشورهای همسایه که منبع تهدید قلمداد می شوند، حدود ۱۰-۷ درصد مجموع بودجه دفاعی کشورهای منطقه برآورد می شود. چنانچه به جزییات و کیفیت تسلیحات کشورهای عربی هم اشاره نکنیم، می توانیم بگوییم کشورهای عربی امکانات راهبردی عظیم، تواناییهای نظامی قدرتمند و تواناییهای انسانی و تخصصی کافی دارند، ولی آنچه کم دارند اراده ملی جدی در جمع کردن این تواناییها و آن امکانات و وارد کردن آن در یک جنگ سرنوشت ساز عربی و استفاده هوشیارانه، عینی و عقلانی با برنامه ریزی پیشین و مورد قبول کشورهای عربی است تا خطرهایی که امنیت ملی آنها را تهدید می کند، رفع شود و

آنها بتوانند از مقدسات، سرزمین و کرامت عربی خود دفاع کنند. شاید احساس خطر و دفاع از موجودیت - پیش از دفاع از مرزها - ملت‌های عرب را و او می دارد تا روش درست را در سطح رهبری، دولت‌ها و ملت‌ها در پیش گیرند. بنابراین، از زمان بیداری عربی و نهضت ملی همه جانبه که تلاش‌ها را یک پارچه و صفوف را منسجم کند، فرا رسیده است.

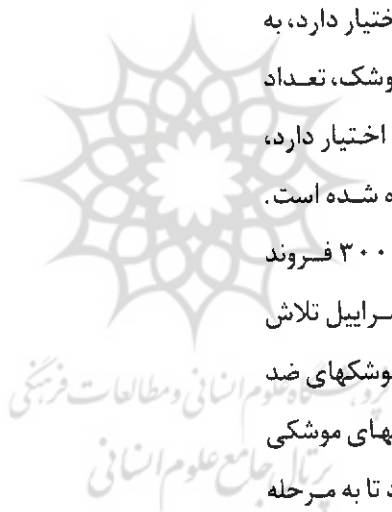
۴. جنگ موشکی در منطقه خاورمیانه

بسیاری از مطالعات راهبردی به این نکته اشاره دارد که پدیده و دستیابی کشورها به موشک‌های بالستیک زمین به زمین از سال ۱۹۸۸ تا به حال روند روبه رشدی داشته است. به گونه ای که تاکنون ۱۶ کشور به زرادخانه موشک‌های تهاجمی بالستیک زمین به زمین دست یافته اند. انتظار می رود این رقم به بیش از ۲۰ کشور در سال ۲۰۰۱ برسد، همچنین ۹ کشور در منطقه خاورمیانه به این تسلیحات دست یافته اند. خاورمیانه با دو نوع برنامه تسلیحاتی موشکی متمایز می شود: اول، برنامه پیشرفت ساخت، تولید و تحول موشک‌های ساخت داخل شامل:

ایران، عراق و اسرائیل است؛ دوم، برنامه های دستیابی به موشکهای آماده بهره برداری که شامل: سوریه، لیبی، عربستان، کویت، امارات هریک از این دو برنامه مزایا و معایب مختلفی دارد، اما بالاخره راهبرد نظامی یک کشور را تحقق می بخشد. آمارها نشان می دهد که اسرائیل ۱۱۰ سکوی پرتاب موشک لانس و ۱۵۰ فروند بمب افکن ویژه موشکهای اریحا-۱، ۱۵۰ بمب افکن ویژه موشکهای اریحا-۲ را در اختیار دارد، به علاوه تولید ماهیانه ۳-۶ موشک، تعداد موشکهای اریحا که اسرائیل در اختیار دارد، ۱۲۴۰ تا ۱۳۰۰ فروند برآورده شده است. در برابر، کشورهای عربی ۳۰۰۰ فروند در اختیار دارند. همچنین، اسرائیل تلاش می کند تا بر برنامه های تولید موشکهای ضد موشک به منظور تضعیف تواناییهای موشکی کشورهای عربی تأثیر بگذارد تا به مرحله عمل رسیدن زرادخانه های تهاجمی- موشکی و فعال کردن آن زودتر صورت گیرد.

منطقه خاورمیانه به وقوع پیوست، بر امکان استفاده از موشکهای بالستیک زمین به زمین در هر نوع برخورد و نزاع نظامی که در آینده اتفاق می افتد، تأکید می کند.

تجربه جنگ اعراب و اسرائیل در ۱۹۷۳، تجاوز سال ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان، جنگ هشت ساله ایران و عراق و جنگ دوم خلیج فارس در ۱۹۹۱-۱۹۹۰ که همگی در



جدول شماره ۱۰

تناسب جنگ افزارهای اساسی با نیروهای نظامی در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹									
کشتی جنگی	بالگرد مسلح	هوابیماي جنگی	برای هر ۱۰ هزار جنگجو از مجموع نیروهای مسلح				مجموع نیروهای مسلح	نام کشور	ردیف
			توپ صحرائی	توپ زمینی	خودروی زرهی	تانک			
۱,۶۵	۰,۲۴	۴,۱۰	۳۹,۸۹	۲۲,۶۰	۳۹,۲۵	۱,۰۱۷,۰۰۰	ترکیه	۱	
۰,۳۹	۲,۲۶	۷,۸۳	۱۱۰	۱۶۸	۷۱,۰۷	۶۰۸,۰۰۰	اسرائیل	۲	
۰,۷۸	۱,۷۷	۸,۲۰	۵۶,۸۶	۷۰,۸۰	۵۲,۵۰	۷۰۴,۰۰۰	مصر	۳	
۰,۳۱	۰,۸۹	۷,۲۹	۳۵,۸۵	۵۴,۲۶	۵۶,۰۹	۷۱۲,۰۰۰	سوریه	۴	
۲,۵۴	-	۰,۵۴	۳۷	۱۸۴	۵۷,۱۶	۶۷,۰۰۰	لبنان	۵	
۰,۲۱	۱,۱۵	۶,۶۸	۷۷	۹۴	۸۷,۵۰	۱۳۹,۰۰۰	اردن	۶	

جدول شماره ۲

تناسب جنگ افزارهای اساسی با نیروهای نظامی در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹														
کشتی جنگی	بالگرد مسلح			هوایمای جنگی			نوپ صحرایی		خودروی زرهی	تانک	مجموع نیروهای مسلح		نام کشور	ردیف
	بالگرد مسلح	بالگرد مسلح	بالگرد مسلح	هوایمای جنگی	هوایمای جنگی	هوایمای جنگی	نوپ صحرایی	نوپ صحرایی			مسلح	مجموع نیروهای		
۲,۱۵	۰,۴۵	۵,۳۶	۵۲,۱۲	۳۰,۸۴	۵۱,۲۸	۸,۹۰۰							ترکیه	۱
۰,۳۴	۲	۶,۷۷	۹۵	۱۴۵	۶۱,۴۲	۱۱,۱۰							اسرائیل	۲
۲	۵	۲۱	۱۴۳	۱۷۸	۱۳۲	۲,۸							مصر	۳
۱,۵۲	۴,۳۹	۳۴,۶۴	۱۷۲	۲۶۲	۲۷۰,۵	۲,۷							سوریه	۴
۲,۳۶	-	۰,۵۰	۳۴	۱۷۱	۵۳	۰,۵۷۵							لبنان	۵
۰,۵۴	-	۱۷	۱۹۲	۲۲۸	۲۲۲	۰,۵۴۸							اردن	۶

جدول شماره ۳

قدرت تسلیحات ترکیه

کیفیت قدرت	حجم قدرت	نمودارهای عمومی عناصر قدرت
جمعیت ترکیه ۶۲ میلیون، کردها ۲۳-۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند. ذخیره ارتش ۲۵۸,۷۰۰ سرباز (تاسن ۴۱ سالگی)	۶۳۹,۰۰۰ سرباز	نیروی نظامی
تشکیل یافته از نیروهای ژاندارمری، گارد ملی مسلح به خودروی زرهی و بالگرد	۳۷۸,۷۰۰ سرباز	نیروهای ذخیره
نیروهای آمریکایی و انگلیسی به علاوه نیروهای هوایی ناتو	۱۸۲,۲۰۰ سرباز	نیروهای شبه نظامی
از ۴ لشکر تشکیل شده که بر یگانهای پیاده مکانیزه متکی است	۳۲۲۰ سرباز	نیروهای پیمان ناتو
که در میان آن ۹۳۲ دستگاه تانک از نوع ام-۶۰ آمریکایی و ۳۹۷ تانک از نوع	۵۲۵۰۰ سرباز	نیروهای زمینی
لئوربارد آلمانی می باشد	۴۲۰۵ تانک	تانکهای جنگی اصلی
۲۸۰ دستگاه آن خودروی زرهی جنگی و بقیه نفربرهای زرهی	۲۵۲۹ دستگاه	خودروهای زرهی
۸۵۰ قطعه توپخانه خودکار و ۱۸۲۲ قطعه آن خمپاره انداز	۴۲۷۴ قطعه	قطعات توپخانه
۳۱,۵۰۰ سرباز از مجموع سربازان با ۱۰ ساعت پرواز	۶۳,۰۰۰ سرباز	نیروهای هوایی
۱۷۵ فروند از نوع اف-۱۶ سی روی و مابقی از مدل‌های پیشرفته	۴۴۰ فروند	جنگنده های و بمب افکنها
شمار عظیمی از آن اضافه و در ضمن شاخه های نیروهای مختلف آمده است	۲۷ فروند	بالگرد مسلح
شبه هافریک، و هارم، و سپس هوبی، اسرائیل است	۳ مدل	موشکهای ضد هوایی
در ۸ پایگاه دریایی بر سواحل مختلف ترکیه فعالیت می کنند	۵۱,۰۰۰ سرباز	نیروهای دریایی
غالب آن زیردریایها مسلح به سیستمها و مهمات مختلفی است.	۱۶ فروند	زیردریایها
ساخت آمریکا، مسلح به اژدرافکن و توپخانه با کاربیل های متفاوت	۲ فروند	ناوشکها
۳ عدد آن آمریکایی و از نوع هیری، که قدرت دریایی عمده را تشکیل می دهد	۱۹ فروند	کشتیهای جنگی
۹۰ واحد دریایی مختلف جهت کمک رسانی، مین گذاری و پیاده کردن نیرو	۵۰ فروند	قایقهای مسلح
هوایماهای ره گیر، خودروهای زرهی، تانکهای سبک با عددی محدود	تجهیز خاص	تجهیز نیروهای ناتو
در ضمن سیستم دفاعی پیمان ناتو	ندارد	موشکهای زمین به زمین
در ضمن سیستم دفاعی پیمان ناتو	ندارد	سلاحهای کشتار جمعی

منبع:

The Military Balance, London: IISS 1999-2000.